

تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران

مهدی غیرائی

دبیرمجموعه محمدهاشم اکبریانی

گفتگو: کیوان باژن



فهرست

- مقدمه دبیر مجموعه ۷
- دوران کودکی ۱۱
- دوران تحصیل تا ورود به دانشگاه ۵۱
- دوره دانشجویی و زندان ۹۹
- شروع کار حرفه‌ای ۱۵۹
- بعدالتحریر ۲۳۱
- نمایه ۲۳۳
- اشخاص ۲۳۵
- اماکن، کشورها، شهرها ۲۴۲
- شعر، داستان، نشریه، فیلم، موسیقی، تئاتر، رسانه‌ها ۲۴۴
- وقایع تاریخی ۲۴۸
- مکاتب، اصطلاحات ۲۴۹
- انتشارات، گروه‌ها، احزاب، سازمان‌ها ۲۵۰
- تصاویر ۲۵۱

مقدمه دبیر مجموعه

بیش از هشت سال از آغاز طرح «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران» می‌گذرد. در این مدت، سختی‌های کار آن چنان بود که دستیابی به اهداف اولیه را ناممکن ساخت. در ابتدا قرار بود این طرح شامل پنجاه جلد باشد که هر جلد به یک شخصیت ادبی بپردازد. اما با توجه به شرایطی که پیش رو قرار گرفت این طرح محدود به بیست شخصیت شد. کار گفت‌وگو با این بیست شخصیت انجام شده و مراحل فنی آن در حال انجام است.

هنوز بر این باورم که ضبط و ثبت زندگی شخصیت‌های ادبی این کشور در حوزه‌های شعر، داستان، نقد و ترجمه از ضرورت‌هایی است که نباید از آن غافل ماند. بی‌تردید عدم توجه به تاریخ شفاهی باعث خواهد شد که منبعی مهم و قابل اتکا را از دست بدهیم و آیندگان در تحلیل و تحقیق ادبیات امروز ما با شکل اساسی روبه‌رو شوند.

شیوه کار در این مجموعه، گفت‌وگوست. اگر شخصیتی در قید حیات بود، گفت‌وگو صرفاً با وی (نه اطرافیان) انجام شده است و اگر شخصیت مورد نظر چشم از جهان فرو بسته بود، گفت‌وگو با اعضای خانواده، دوستان و همکاران وی انجام گرفت.

هدف از این طرح، ارائه گزارشی از زندگی خصوصی، اجتماعی و حرفه‌ای شخصیت‌هاست تا منبعی برای تحقیقات جامعه‌شناسی، روانشناسی و... فراهم آید. بدین ترتیب در این مجموعه تحلیل و نقد، مورد نظر نبوده است.

چارچوب اصلی طرح، پرداختن به دوره‌های مختلف زندگی فرد (کودکی، نوجوانی، و...) و بیان فعالیت‌های ادبی، سیاسی و فرهنگی وی بوده است. بی‌تردید تحلیل آثار یک نویسنده و نیز تحقیق دربارهٔ جامعه و شرایط ادبی نیازمند چنین اطلاعاتی است. بر این اساس ۲۵۰ پرسش محوری از سوی دبیر مجموعه تهیه و در اختیار اعضای گروه قرار گرفت. طبیعی است این پرسش‌های محوری با توجه به زندگی هر فرد، نیازمند پرسش‌های جزئی‌تری بود که توسط گفت‌وگوکننده مطرح می‌شد. پس از هر جلسه گفت‌وگو، متن در اختیار دبیر مجموعه قرار می‌گرفت که اگر پرسشی فراموش شده و یا چارچوب طرح رعایت نشده باشد، نواقص برطرف شود.

پس از اتمام گفت‌وگو (که گاه به چند سال می‌رسید) متن به صورت حرفه‌چینی شده در اختیار شخص مورد گفت‌وگو قرار داده می‌شد تا پس از تأیید نهایی، مراحل فنی آغاز شود.

کتاب «مهدی غبرائی» قرار بود در نشر روزنگار منتشر شود و حتی از وزارت ارشاد مجوز نشر هم گرفت. اما با توجه به کنار رفتن روزنگار از بازار نشر، تصمیم بر آن شد که کتاب در نشر ثالث منتشر شود. این امر یعنی فرستادن دوباره کتاب برای دریافت مجوز که خود زمان زیادی برد. در این میان آقای غبرائی همراهی و همکاری صمیمانه‌ای در طول گفت‌وگو و انجام مراحل فنی داشتند که بسیار ارزشمند بود. انتخاب عکس‌ها هم

جالب بود. دیدن عکس‌های زنده‌یادان فرهاد و هادی غبرائی (برادران آقای مهدی غبرائی) برای ایشان یاد و خاطره فراوانی داشت که از نگاهشان به عکس‌ها معلوم بود. یاد آن عزیزان را هم گرامی می‌داریم.

پس از انتشار پنج جلد از این مجموعه توسط نشر روزنگار (کتاب‌های صادق هدایت، هوشنگ گلشیری، صمد بهرنگی، م. آزاد و علی باباچاهی) ادامه کار در نشر ثالث پی‌گرفته شد. از آقای محمدعلی جعفریه، مدیر محترم نشر ثالث، به خاطر همراهی در انتشار این مجموعه سپاسگزارم.

محمدهاشم اکبریانی

دبیر مجموعه «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران» ۱۳۸۸